



جامعه اسلامی دانشکده حقوق
و علوم سیاسی دانشگاه تهران

ما انقلاب کردیم تا **واقعیت‌ها** را تغییر دهیم؛
نه آن که آن‌ها را بپذیریم.
انقلاب ما، **انقلاب آرمان‌هاست**
نه انقلاب واقعیت‌ها.



آرمان‌ها

دوره جدید / شماره اول / مهرماه ۹۹

صاحب امتیاز:

جامعه اسلامی دانشجویان دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مدیرمسئول و سردبیر:

امیر مهبد اسفندی

هیئت تحریریه:

کیوان محمودیان

امیر حسین قدیری

محمد مهدی داستانی

محمد رضا زراعتیان

طراح:

عرفان غلامعلی زاده



@Lp_jad_ut

جامانده ایم

حوصد شرح قصه نیست...



« سخن سردبیر »

تابش کنیم اصنام را...

دریاچه

در جهان بینی اسلامی خداوند متعال به عنوان مبدأ عالم شناخته می‌شود و مقصد چیزی جز بازگشت به او نیست که از آن تعبیر به معاد می‌شود. در این بین راه میان مبدأ و معاد که اعم از عقل و نقل است، دین را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر اصول فکری دین اسلام مبتنی بر شناخت حق تعالی، صفات و افعال اوست. در این میان انسان که غایت خلقت او غایت آفرینش جهان معرفی می‌شود، به دو وصف جسمانیت و روحانیت صاحب ابعاد گوناگون تلقی می‌گردد. در ظاهر پرداختن به جسم نیز به عنوان مرحله‌ای از مراحل حرکت به سوی هدف ادراک می‌شود، اما با این وجود حقیقت او را نه برای فنا که برای بقا آفریده‌اند (غررالحکم، صفحه ۱۳۳ و ۱۴۰) و آن است که با درک و اختیار مسیر رشد و تعالی را طی می‌کند. به قول مولای رومی « مرغ باغ ملکوت، نیم از عالم خاک چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم. » اما متأسفانه از سر ندانستن یا از سر ستیز عده‌ای یا تنها خود نتوانسته یا نخواسته‌اند که به سوی این حقیقت رهنمون شوند یا علاوه بر خود، دیگران را نیز از این خوان لطیف محروم کرده‌اند. اعتقاد ما بر این است که اگر حجاب‌های جهل و خودپرستی از میان برداشته شود انسانی نخواهد ماند مگر آن که از این نور سماوی سیراب شود و سعی ما بر این است که تا آنجا که خدا بخواهد این حال دست دهد که « آب دریا را اگر نتوان کشید * * هم به قدر تشنگی باید چشید. » و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.



به تو از دور سلام...

تلاقی اربعین حسینی و کرونا

محدثا زراعتیان

اینجاست که تعارض رخ می‌دهد بین حفظ جان خود و اطرافیان یا رساندن خود به میعاد همیشگی عاشقان یعنی بین الحرمین. رک‌تر بگویم؛ بین حق الناس و دلتنگی. چه می‌شود کرد؟! هر دو مسئله مهم است، اما کدام مهم‌تر است؟ حفظ سلامتی خود و دیگران و در افقی دیگر حفظ آرامش همگانی یا غروبی که محتاج طلوع در صحن بین الحرمین است؟

من خود مطمئنم که ارباب اگر ما را لایق بداند، خود دستان را از همین جا می‌گیرد (تو عراقی و من هم ایرانم). اینجاست که باید دید دلمان با حسین (علیه السلام) است یا تنها بر لبان یا حسین. در شرایط فعلی با حسین بودن یعنی صبر، یعنی کمک کردن به کادر درمان که در خط مقدم مبارزه و جهاد هستند. می‌شود همینجا ماند و باحسین بود (و البته این به خودمان بستگی دارد).

بی شک کرونا هم روزی رخت برمی‌بندد و باز هم مرزهای عاشقی باز می‌شود. مهم این است که از این امتحان الهی سر بلند بیرون برویم و فرهنگ و شعور حسینی خود را به چشم منافقان و کفار و دشمنان بکشیم. فراموش نشود که آتش عاشورا هیچوقت خاموش نمی‌گردد و بسته بودن مرزها نباید ذره‌ای از جوشش شیعیان برای زنده نگاه داشتن قیام عاشورا بکاهد بلکه می‌توان اربعینی پرشورتر از همیشه داشت ان شاء... .

به تو از دور سلام

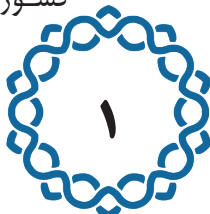
به حسین از طرف وصله ناجور سلام...

از سال ۶۱ هجری که ثارا... به شهادت رسید تا امروز قیام عاشورا و حوادث پس از آن همواره عامل جوشش و کوشش شیعیان برای زنده نگه داشتن راه و رسم ائمه بوده است. بی‌گمان هر انسان عدالت‌خواه و فهیمی با تورق در حوادث تاریخی عاشورا پی به مظلومیت و حق‌جویی امام حسین (ع) و یاران باوفای ایشان می‌برد.

فرصت زیادی تا طلوع آفتاب اربعین ۱۴۴۲ هجری قمری باقی نمانده است اما هجوم ویروس مرموزی به اسم کرونا باعث تغییر همه جانبه زندگی انسان‌ها شده و تا پارسال هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد که امسال تجمع میلیونی اربعین دچار تغییراتی شگرف شود.

اربعین هر سال صحنه حضور میلیون‌ها انسان از هر مذهب و دین و قومیتی در بین الحرمین بوده است و شاید این تجمع بزرگترین تجمع بشری به شمار برود که سالانه با حضور میلیون‌ها انسان روی می‌دهد. قطعاً رخ دادن چنین صحنه‌ای ناشی از ارزش‌های متعالی شیعه و ائمه معصومین (ع) است که دل میلیون‌ها عاشق را به سوی خود جذب می‌کنند.

امسال اما شاهد اتفاقاتی هستیم که در خیال هیچ انسانی جای نمی‌گیرد؛ این که بیماری گسترده‌ای مثل کرونا ویروس شایع شود و به تیر اول خبرگزاری‌ها بدل گردد. بی‌شک وقتی کل جهان تحت تأثیر قرار می‌گیرد، نمی‌توان آن را مسئله ساده‌ای انگاشت بلکه باید به صورت یکی از اولویت‌های اساسی تمامی کشورها تبلور بیابد.





از خون دل نوشتم...

نامه‌ای به جناب رئیس جمهور

کیوان محمودیان

جناب رئیس جمهور سلام؛



حالتان خوب است؟ با کرونا چه می‌کنید؟ اگر از ما می‌پرسید، خدا را شکر. ماهم خوبیم. نفسی می‌آید و می‌رود. دانشگاه‌ها هم خداراشکر باز شده. البته دلمان می‌خواست شما را هم حضوراً در روز بازگشایی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ببینیم ولی خب به هر حال شما رئیس جمهور هستید و ظاهراً به حکم پروتکل‌ها صلاح نیست حتی المقدور در جمعیتی حاضر شوید. گله‌ای از این بابت نیست ولی از چیزهای دیگر کمی گلایه‌مندیم. از این که سفره اقتصادی مردم هر روز دارد کوچک‌تر می‌شود گلایه‌مندیم؛ از این که مدام کارخانه‌های بیشتری تعطیل می‌شوند و کارگران بیشتری بی‌کار، گلایه‌مندیم؛ از دلار ۲۷، نه ببخشید ۲۸، نه ۲۹، چه می‌دانم چه بگویم، گلایه‌مندیم؛ از حداقل حقوق یک میلیون و هشتصد و سی و پنج هزار تومانی اداره کار گلایه‌مندیم؛ از خوابیدن چرخ سانتریفیوژها گلایه‌مندیم و ایضا از خرد شدن چرخ اقتصاد کشور گلایه‌مندیم؛ از خوار و ذلیل شدن‌ها و در عین حال

به هیچ نرسیدن‌ها گلایه‌مندیم؛ از خبرهای خوب شنبه و یکشنبه‌تان گلایه‌مندیم؛

به خاطر مانی ۱۴ ساله روستای شمشیر که برای در آوردن پول برای خرید موبایل و شرکت در برنامه شاد کولبری می‌کند و از کوه پرت می‌شود، گلایه‌مندیم؛ از فرهنگی که دارد به خاطر بی‌توجهی شما و وزرایتان به اضمحلال می‌رود گلایه‌مندیم؛ از عدم رسیدگی به مشاغل نابود شده در ایام کرونا گلایه‌مندیم؛ از برداشت مذاکره‌تان از عاشورا گلایه‌مندیم؛ از تحمیل دموکراسی بر امیرالمومنین بر ساخته‌تان گلایه‌مندیم؛ از جواز نقد معصومان گلایه‌مندیم؛ از هفت سال و اندی ریاست جمهوری‌تان گلایه‌مندیم؛ این اواخر فرموده بودید که ریشه مشکلات «واشنگتن دی سی» است ولی آقای روحانی! بدانید ما از شما گلایه‌مندیم.

و این‌ها را یک وقت خدای نکرده به پای قدرناشناسی ما نگذارید. بی‌انصافی است اگر بخواهیم ملت باایمان خود را به بی‌صبری متهم کنیم ولی قبول کنید که سخت است وقتی می‌بینیم که مردم سختی می‌کشند و زعمای مردم... باری هرچه باشد؛

«ای که دست می‌رسد کاری بکن

پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار.»

والسلام.



به نام خلق؛ به کام فرد

آیا رضاخان واقعاً یک جمهوری خواه بود؟

بعد از آن که رضاخان توانست در آبان سال ۱۳۰۲ هجری شمسی نخست‌وزیر کشور شود و در رأس کابینه قرار بگیرد، اقدام به افتتاح مجلس پنجم نمود. کمی بعد در اواخر همین سال در رسانه‌ها و مطبوعات مرتبط با سردار سپه صحبت از انقراض دولت قاجار و تحولات بنیادین در نظم کشورداری به صورت تغییر رژیم سیاسی ایران از سلطنت به جمهوریت به میان می‌آید. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که این رفتار رضاخان به پیروی از تغییر ساختار سیاسی ترکیه بود. این طرح نهایتاً در فروردین سال ۱۳۰۳ هجری شمسی توسط خود رضاخان ملغی شد.

یکی از مخالفان مُصرِ جمهوری رضاخانی - چنان که مشهور است - مرحوم آیت‌الله مدرس می‌باشد. اما سوال مهم این است که آیا غیر از ایشان افراد دیگری نیز با جمهوریت به آن شکل مخالف بوده‌اند یا خیر. یکی از اندیشمندان آن روزگار که مخالف این نوع تغییر در رژیم سیاسی به شمار می‌رفت، ملک الشعرای بهار بود. او در ضمن اشعاری که بعضاً در روزنامه «قرن بیستم» چاپ می‌شد، مخالفت خود را با این طرح ابراز می‌کرد. او در یکی از اشعار خود به نام «غزل جمهوری» از این مطلب پرده برمی‌دارد که جمهوری مطلوب رضاخان ابزاری برای عزل شاه قاجار از تخت شاهی و نیل به سلطنت بر ایران است. این شعر حاوی ابیاتی از این دست است:

« جمهوری سردار سپه مایه ننگ است
کاین صحبت اصلاح وطن نیست که جنگ است...
بی علمی و آوازه‌ی جمهوری ایران
این حرف درین مملکت امروز جفنگست
آزادی و مشروطیت افتاده به زحمت
این گوهر پرشعشه در کام نهگنست
افسانه جمهوری ما ملت کودک
عیناً مثل ملعبه شهر فرنگ است
در پرده جمهوری کوید، در شاهی
ما بی خبر و دشمن طماع زرنگ است »

یکی دیگر از افراد برجسته داخل در این جریان، میرزاده عشقی، شاعر آزاده و مردمی بود. او علاوه بر این که مدیریت روزنامه «قرن بیستم» را برعهده داشت، خود اقدام به سرودن شعر در ذم جمهوریت رضاخانی می‌کرد. یکی از اشعاری که به عقیده برخی به او منتسب است شعر «جمهوری نامه» است که در ذیل به برخی از ابیات آن اشاره می‌شود:

« ... نخستین بار سازیم آفتابی
علامت‌های سرخ انقلابی



که جمهوری بود حرف حسابی
چو گشتی تو رئیس انتخابی
بیاید گفت کاین مرد فداکار
بود خود پادشاهی را سزاوار
دریغ از راه دور و رنج بسیار
حقیقت بارک الله چشم بد دور
مبارک باد این جمهوری زور
از این پس گوش‌ها کر، چشم‌ها کور
چنین جمهوری بر ضد جمهور
ندارد یاد کس در هیچ اعصار
نباشد هیچ در قوطی عطار
دریغ از راه دور و رنج بسیار... »

در هر صورت میرزاده عشقی در سن جوانی ترور می‌شود و تشییع جنازه او با تلاش مرحوم مدرس به تظاهراتی سیاسی علیه رضاخان بدل می‌گردد (ر. ک). کتاب تحولات سیاسی تاریخ معاصر از دکتر موسی نجفی و دکتر موسی فقیه حقانی).

در مجموع با توجه به آنچه گفته شد، روشن می‌شود که مرحوم مدرس تنها مخالف طرح جمهوری نبود و اگر چه ظاهراً خود او هم ابراز می‌کند که جمهوریت را به طور کلی - نه آن طور که رضاخان می‌خواهد - قبول دارد، این سوال از معتقدین به جمهوری خواهی حقیقی رضاخان قابل طرح است که چرا او بعد از به حکومت نشستن هرگز دم از جمهوری خواهی نزد و نه تنها او که حتی فرزند او هم نه فقط تاب تفوق دکتر مصدق بر اوضاع کشور را به پشتوانه اراده ملی نیاورد بلکه تا قبل از انقلاب از پیاده کردن رژیم جمهوری در فضای کلان کشور نیز خودداری کرد؟

عدل الهی و بی عدالتی های موجود !

آیا شرور موجود در اطراف ما در جهان نافی عدالت الهی نیست؟

امیر حسین قدیری

* صفات کمال الهی

خدای متعال، بالاترین مراتب قدرت و اختیار را دارد و هر کار ممکن الوجودی را می تواند انجام دهد یا ندهد، بدون اینکه تحت تأثیر هیچ نیروی مجبورکننده و مقهورکننده ای قرار بگیرد. ولی همه آنچه را که می تواند، انجام نمی دهد بلکه آنچه را که می خواهد و اراده می کند انجام می دهد.

بر اساس حکمت و خلقت بی نظیر الهی می دانیم که اراده او گزافی و بی حساب نیست، بلکه آنچه را که مقتضای صفات کمالیه اش باشد اراده می کند. و اگر صفات کمالیه او اقتضای کاری را نداشته باشد هرگز آن را انجام نخواهد داد. و چون خدای متعال، کمال محض است، اراده او اصالتاً به جهت کمال و خیر مخلوقات، تعلق می گیرد و اگر لازمه وجود مخلوقی پیدایش شرور و نقایصی در جهان باشد جهت شر آن، مقصود بالتبع خواهد بود؛ یعنی چون لازمه انفکاک ناپذیر خیر بیشتری است بالتبع آن خیر غالب، مورد اراده الهی واقع می شود.

پس مقتضای صفات کمالیه الهی این است که جهان بگونه ای آفریده شود که مجموعاً دارای بیشترین کمال و خیر ممکن الحصول باشد.

* حوادث طبیعی و فسادهای اجتماعی

در حقیقت حوادث ناگوار طبیعی از قبیل سیل و زلزله و ... لازمه فعل و انفعالات و تراحمات عوامل مادی، معلول عوامل مختلف طبیعی، جغرافیایی و حتی بعضاً متأثر از عوامل انسانی هستند و چون خیرات آنها بر شرورشان غلبه دارد، مخالف حکمت و عدل خداوند نیست.

پدید آمدن فسادهای اجتماعی که از جمله آن به فقر و جنگ و ظلم های مختلف اشاره شد نیز، متأثر از زندگی اجتماعی انسان و لازمه مختار بودن انسان است که مقتضای حکمت الهی می باشد و در عین حال، مصالح زندگی اجتماعی، بیش از مفاسد آن است که اگر مفاسد، غالب بود، انسانی در زمین باقی نمی ماند.

از طرف دیگر باید در نظر داشت که وجود این رنج ها و گرفتاری ها از یک سوی، موجب تلاش انسان برای کشف اسرار طبیعت و پدید آمدن دانش ها و صنایع مختلف می شود، و از سوی دیگر، دست و پنجه نرم کردن با سختی ها عامل بزرگی برای رشد و شکوفایی استعدادها و ترقی و تکامل انسان ها می گردد. و بالاخره، تحمل هر سختی و رنجی در این جهان اگر به منظور صحیحی باشد، پاداش بسیار ارزنده ای در جهان ابدی خواهد داشت و بنحو احسن، جبران خواهد شد.

سالانه هزاران نفر بر اثر فقر و گرسنگی، قحطی و حوادث طبیعی متعدد و جنگ و کشتارهای جمعی از بین می روند؛ در حالی که عده ای دیگری از انسان ها چنان بر اریکه ی ثروت و قدرت تکیه زده اند که از شدت سیری و دارایی، بعضاً حتی معانی دنیا برایشان رنگ باخته است. این بی عدالتی ها و ظلم های فراوانی که سراسر دنیای ما را فرا گرفته، چگونه با عدل و عدالت خداوند سازگار است؟! مگر نه آنست که خداوند منبع خیر محض است، پس فلسفه این بی عدالتی ها که منافی خیر و عمل حسن است، چیست؟!

* مفهوم عدل

برای رسیدن به حقیقت مطلب، در ابتدا به تحقیق پیرامون مفهوم عدل و عدالت می پردازیم. عدل در لغت به معنای برابری و برابر کردن است و در عرف عام به معنای رعایت حقوق دیگران است که در مقابل ظلم (= تجاوز به حقوق دیگران) به کار می رود. در تعریف عدل آمده است: «اعطاء کل ذی حقّ حقّه» یعنی دادن حق هر صاحب حق. طبق این تعریف نخست باید موجودی را در نظر گرفت که دارای حقی باشد تا رعایت آن «عدل» و تجاوز به آن «ظلم» نامیده شود.

در تعریف موسعی نیز آمده است: «وضع کل شیء فی موضعه» به معنای قرار دادن هر چیز در جای خودش و یا هر کاری را به شایستگی انجام دادن، که مطابق این تعریف عدل مرادف حکمت و کار عادلانه مطابق کار حکیمانه قرار می گیرد. در حقیقت مراد از عدل را می توان در دو تعریف خاص و عام خلاصه کرد: یکی رعایت حقوق دیگران و دیگری انجام کار حکیمانه.

* انسان مختار در جهان علت و معلول

انسان موجودی مختار و آزاد است؛ خلقت انسان به گونه ای بنا نهاده شده است که انسان، خود تصمیم بر خیر و شر بگیرد، بنای بر بدی گذارد و یا سر به سوی مسیر خیر و حسن بگرداند تا در نهایت، به اختیار خویش سیر کمال وجودی خود را طی نماید. باید توجه داشت که چنین موجودی در عالمی قرار داده شده است که لوازم و قوانین علی و معلولی، جزء لاینفک آن به شمار می رود. همواره آب خالص در سطح دریا با دمای ۱۰۰ درجه به جوش می آید و این قاعده کلی بر تمام جوانب زندگی انسان صدق می کند که علت تامه معلول متناسب با خویش را در پی خواهد داشت.

نیم نگاهی بر پیش نویس جدید OIC در رابطه با حقوق کودکان

۴۹ سال پیش در چنین روزی، «مایکل دینس روئن»، یک یهودی افراطی، بخش شرقی مسجد الاقصی را به آتش کشید و بخش وسیعی از مسجد در معرض شعله ها قرار گرفت. اگرچه آتش سوزی نهایتاً با تلاش ها و دلسوزی های مردم فلسطین آتش خاموش شد، اما خسارات جبران ناپذیری را برای قبله دوم مسلمانان در پی داشت.

این اتفاق که با پیامدهای بسیاری همراه بود نهایتاً منجر به تشکیل دومین سازمان بین المللی جهان پس از سازمان ملل متحد شد. سازمان همکاری اسلامی یا OIC در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ با عضویت ۵۷ کشور، آغاز به کار کرد. اجلاس سران این سازمان هر سه سال و اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو هر ساله برگزار می شود و به موارد موجود در دستور کار می پردازند و در طی تصمیمات، قطعنامه هایی صادر می شود که تا به امروز تعدادشان از صد عبور کرده است. در همین راستا، در سال ۲۰۰۵ سندی تحت عنوان «میثاق حقوق کودک در اسلام» در صنعا به تصویب این سازمان رسید؛ اما علی رغم امضای ۲۰ کشور، این سند در طی این پانزده سال هیچ گاه جنبه الزام آور پیدا نکرد و قبل از فعال شدن ساز و کار نظارتی مقرر در میثاق، سازمان در جهت روزآمد سازی و اصلاح اسناد خود، چندی پیش سندی جدید تحت عنوان «کنوانسیون سازمان همکاری اسلامی در زمینه حقوق کودک» را ارائه کرد. پیش نویس این کنوانسیون برای کشورهای عضو ارسال شده است تا نقطه نظرات خود را به سازمان همکاری اسلامی ارسال کنند تا

احیاناً با ایراد تغییراتی، سرانجام به تصویب نهایی برسد.

به این بهانه سعی کردیم پیش نویس این کنوانسیون را مورد مطالعه قرار داده و به طور خلاصه به بررسی آن بپردازیم و نقاط افتراق و چالش های موجود این پیش نویس را با نظام فقهی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران مقایسه کنیم.

قبل از هر چیز خوب است یادآوری شود که متأسفانه در نظام حقوقی ما، یک سند جامع و واحد ناظر بر

حقوق کودکان را در اختیار نداریم، و لذا برای کار تطبیقی لاجرم ما باید به قوانین مختلف نظام حقوقی ایران رجوع کنیم. پیش نویس کنوانسیون حقوق کودک سازمان همکاری، شامل ۳۰ ماده می باشد که در مقایسه با میثاق حقوق کودک که شامل ۲۶ ماده بود، ما شاهد تغییر قابل توجهی حداقل در شکل سند نمی باشیم. علاوه بر این، مقدمه ای دو صفحه ای در ابتدای سند آورده شده که از اصول اسلامی یاد می کند و بر جهانی بودن، غیر قابل تفکیک بودن و به هم تنیده بودن حقوق بشر تصریح می کند و به این نکته اشاره می کند که سند، با توجه به پیشینه های تاریخی، فرهنگی و مذهبی کشورهای عضو نگارش یافته است و شریعت اسلامی سلطه دارد؛ البته با در نظر داشتن قوانین داخلی کشورهای عضو.

ماده ۱ این کنوانسیون به تعریف کودک پرداخته است: «از نظر کنوانسیون حاضر، کودک به معنای هر انسان زیر ۱۸ سال است...». همانطور که مشهود است، این تعریف نمی تواند تعریف کامل و مفیدی تلقی شود و بسیار کلی به این موضوع پرداخته شده است و پرواضح است که نمی توان بر اساس چنین تعریفی، تمام آثار عرفی، شرعی، کیفری و ... را بر آن استوار کرد. اگر این تعریف پذیرفته شود، مشکلات و تبعات بسیاری را برای جامعه و کشور به بار خواهد آورد؛ به عنوان مثال اگر دختری در سن ۱۷ سالگی ازدواج بکند، این ازدواج کودکانه تلقی شده و محکوم خواهد بود.

همچنین است که اگر فردی زیر سن ۱۸ سالگی مرتکب جرمی بشود، مسئولیت کیفری نخواهد داشت. در ماده ۶ این کنوانسیون، بند پ، در ذیل عنوان حق حیات می خوانیم: «مجازات اعدام، به شخص زیر ۱۸ سال، زنان باردار و مادرانی که از کودکان زیر ۲ سال خود مراقبت می کنند، تحمیل نمی شود».

مجازات اعدام همچنین نباید برای جرایمی که قبل از رسیدن به ۱۸ سالگی انجام شده اند، اعمال شود. «فرض کنید پسری در سن ۱۷ سالگی مرتکب قتل می شود، اساساً مجازات اعدام برای او ولو بعد از سن ۱۸ سالگی اعمال نخواهد شد. علاوه بر این در ماده ۵ کنوانسیون آورده شده است که: «... باید کودک را از هرگونه تبعیض و مجازات بر اساس وضعیت، فعالیت ها، اظهار



سقط جنین باید ممنوع باشد، مگر در شرایط فوق العاده ضروری که مستلزم رعایت منافع سلامت مادر، جنین یا هر دوی آنان باشد.» از دیگر نکات مثبت و قابل توجه این پیش نویس، در نظر گرفتن و بیان مسئولیت‌های کودکان در ماده ۲۲ کنوانسیون، علاوه بر حقوق ایشان است؛ که البته خیلی کلی در مورد آن اشاره شده است و دارای ابهامات زیادی بالاخص در بحث مسئولیت مدنی کودکان است؛ همانطور که می‌دانیم در حقوق مدنی ما، در صورت وارد شدن خسارت از طرف کودک، آن کودک پس از خارج شدن از دوره کودکی موظف است که خسارت وارده را جبران کند، که در این کنوانسیون به آن اشاره‌ای نشده است.

شاید یکی از کاستی‌های پنهان این پیش نویس، یکسان سازی فرزند مشروع و غیرمشروع در این سند است. البته مسلم است که فرزند نامشروع هیچ گناهی ندارد و باید همه گونه حمایت‌های حفاظتی و حیثیتی از او صورت بگیرد و هیچ کس اجازه ندارد که به حق حیات و حق سلامت او تعرضی کند یا با القاب زشت او را خطاب کند، اما باید توجه داشت که در فقه اسلامی، به هر حال این افراد از یک سری مناصب و شغل‌ها، مانند قضاوت، شهادت دادن و امامت جماعت محروم می‌باشند. نگاهی داشته باشیم به ماده ۱۹ کنوانسیون، ذیل عنوان کار کودکان: «هر کودک باید در مقابل همه شکل‌های بهره برداری اقتصادی و انجام هرکاری که ممکن است خطرناک باشد یا در پیشرفت جسمی، روانی، معنوی، اخلاقی یا اجتماعی کودک اختلال ایجاد کند یا حق آموزش را از وی سلب کند، محافظت شود.» همانطور که می‌بینید با قیدها و شرط‌هایی که در این ماده بیان شده است، عملاً به طور کامل بحث کار کودکان ممنوع اعلام شده است؛ در صورتی که چند خط پایین‌تر از دولت‌های عضو خواسته است: «کشورهای عضو باید حداقل سن کار، شرایط و ساعات کار برای پذیرش کودکان در شغل را تعیین کند.» این ابهام در محتوای ماده ۱۹ به هیچ وجه قابل پذیرش نیست و انتظار می‌رود که قبل از تصویب نهایی پیش نویس، این تناقض بر طرف بشود. همینطور باید بیان شود که در اسناد جهانی، حداقل سن مشارکت کودک در مخاصمات مسلحانه را ۱۵ سال اعلام کرده‌اند، اما ما در ذیل ماده ۱۸ این کنوانسیون شاهدهی مبنی بر تصمیم گیری در اعلام حداقل سن مشارکت در مخاصمات را نمی‌یابیم؛ آن هم در صورتی که ما در خاورمیانه شاهد درگیری‌های بسیاری هستیم و گروه‌هایی مانند داعش، علناً از کودکان در مخاصمات خود بهره می‌برند.

در پایان خوب است اقرار کرد که با همه ابهامات و کاستی‌هایی که در پیش نویس کنوانسیون سازمان همکاری اسلامی (OIC) وجود دارد، این سند مترقی‌تر و کامل‌تر از سند حقوق کودک سازمان ملل ظاهر شده است و به جنبه‌های بیشتری از حقوق کودکان و نوجوانان پرداخته است. همچنین باید اشاره کرد که کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران هم‌اکنون مسئولیت بررسی این پیش نویس را بر عهده دارد و پس از بررسی و تحلیل آن توسط متخصصان این حوزه، قصد دارد که نقدها و ایرادات خود را به سازمان همکاری اسلامی ارائه دهد تا قبل از تصویب نهایی این پیش نویس مورد توجه قرار بگیرد.

«با تشکر از خانم دکتر طه، جناب دکتر کریمی‌نیا و جناب دکتر میرمحمدی.»

عقاید خود یا عقاید والدین، سرپرستان قانونی یا اعضای خانواده محافظت کنند.» یعنی اگر یک نوجوان ۱۶ ساله بیاید و در خیابان ایجاد مزاحمت کند، فحاشی کند و ...، هیچگونه مسئولیت کیفری و بالتبع مجازاتی برای او در نظر گرفته نمی‌شود. طبیعتاً این گونه قوانین، زمینه سوءاستفاده را فراهم می‌کنند. بر فرض یک فرد بالغ و عاقلی که زیر سن ۱۸ سال قرار دارد، عمداً و با در نظر داشتن این قانون، مرتکب قتل می‌شود؛ یا افراد بالای سن ۱۸ سال، نوجوانان و کودکان را ترغیب و تشویق به ارتکاب جرایم مدنظر خود می‌کنند. خوب است که اشاره کنیم با توجه به اصلاحاتی که سال ۱۳۹۲ در حقوق جزای ما صورت گرفت، بحث مسئولیت کیفری تدریجی مورد شناسایی قرار گرفت؛ در صورتی که قبل از آن سن مشخصی مورد تأیید قرار

می‌گرفت و درست به مانند این پیش نویس، ما شاهد بودیم که فرد، یک روز قبل از سن ۱۸ سالگی هیچگونه مسئولیت کیفری را بر عهده نداشت و یکباره از روز بعد این قضیه بالعکس می‌شد. در صورتی که در قانون جدید، با کودکان و نوجوانان با توجه به بازه سنی‌شان و استفاده از علم روان شناسی

با همه ابهامات و کاستی‌هایی که در پیش نویس کنوانسیون سازمان همکاری اسلامی (OIC) وجود دارد، این سند مترقی‌تر و کامل‌تر از سند حقوق کودک سازمان ملل ظاهر شده است و به جنبه‌های بیشتری از حقوق کودکان و نوجوانان پرداخته است.

و جرم شناسی، برخورد مناسب صورت می‌گیرد. نکته دیگری که با یک نگاه کلی به کنوانسیون به چشم می‌خورد، ترتیب نامانوس و نامناسب مواد کنوانسیون هست. به عنوان مثال در ماده ۵، بحث حول حق برابری می‌باشد و به آن اشاره دارد، در حالی که در ماده ۶ و ۷ بر حق حیات و حق بر هویت اشاره شده است. بدیهی است که یکی از مهمترین حقوقی که برای یک انسان متصور است، حق بر زندگی می‌باشد! اما در این پیش نویس حق حیات متأخر از حق برابری بیان شده است. یا در جای دیگر، در ماده ۱۵ ما بحث سلامت و بهداشت کودک را مشاهده می‌کنیم، حق بهره‌مندی از استاندارد زندگی مناسب در ماده ۱۴ آورده شده، مسئولیت والدین در قبال کودک در ماده ۲۱ بیان شده، یا حق آموزش را ما در ماده ۱۲ می‌بینیم؛ و نکته جالب توجه اینجاست که این مواد مهم، بعد از حق آزادی بیان و حق آزادی تجمع مسالمت آمیز (مواد ۹ و ۱۰) آورده شده‌اند! این موارد به خوبی نشان می‌دهد که در چینش و ترتیب مواد کنوانسیون، یک نوع بی سلیقه‌گی را شاهد هستیم و این قابل قبول نیست.

بر خلاف کنوانسیون حقوق جهانی کودک سازمان ملل، که بسیار هم مورد انتقاد حقوق دانان مسلمان قرار گرفت و شروع بهره‌مندی از حق حیات را برای کودک از زمان تولد در نظر گرفته بود، ما در ماده ۶ کنوانسیون شاهد این هستیم که آغاز حق حیات کودک را از دوران جنینی محاسبه می‌کند و صراحتاً سقط جنین را محکوم می‌نماید: «هر کودکی حق دارد از دوره جنینی در رحم مادرش شروع به زندگی کند.

گرچه دوریم به یاد تو سخن می‌گوییم

به تولد دور سلام

الحمد لله
#بلغ_سلامنا



جامعه اسلامی دانشکده حقوق
و علوم سیاسی دانشگاه تهران



آرمانزما

راه های ارتباطی با ما :



@Lp_jad_ut



@jad_ut



@jad.ut

جهت همکاری در نشریه نیز

می توانید به آیدی زیر پیام دهید:



@Lp_jad_ut_pr



برای عضویت در کانال میتوانید

کد QR را اسکن کنید .